

خصلت سودا گوی طبا بسته میراث  
ختمانه‌ی دولتهای از تجاعی گذشته است  
بو ضد خصلتهای از تجاعی مبارزه اصولی و پیگیر صورت هیگیرد

وهمچنان بررسی احوال  
محبوسان و به آتشسی کشاندن  
خر من ها دوسیه های متهمین  
ورها بی هزارا ن زندانی  
بلا کشیده ره مان طا هر  
شاهی و داد و شاهی، الغای  
مناسبات خصما نه گروی و  
سود خوری با صدور فرمان  
شماره ششم که منجر به  
رها بی یازده میلیون زد عقای  
مظلوم از چنگال ظلم  
گروی داران و سود خوران  
گردید با اعلام فرمان  
شماره هفتم کاخ بی بنیاد  
منابع طالمانه و بیرون حیانه  
دوران پدر سالاری از هم  
فرو با شید و در اندر آن  
هزاران طفل معصوم از  
فروختن قبل از رسیدن به  
سن شانزده سالکی  
نجات داده شدند. فرمان  
دوران ساز شماره هشتم  
در مورد اصلاحات دموکراتیک  
ارضی بخاطر محور کامل  
مناسبات کهنه و تاریخ زده  
فیو دالی و مقابل فیو دالی  
چون گرد تاریخ بر فرق  
فیو دالیزه در کشور چنان  
بشدت کوییده شد که کاخ  
جبروت چندین هزار ساله آن  
از بنیاد و از گون گشت.  
(ناتانیا)

مساز طبقه کارگر قسرار  
دارد.

حزب دموکرا، تیک خلق  
افغانستان بانگر ش واقع  
بینانه و شناخت همه جانبه  
جا معنے ما موذی با  
روند نیرو منه تکا مل  
اجتماعی چوا مع در کو تاء  
ز مانی، اقدامات سودمند و  
ارتقا بی در چیت نجات  
خلق های معروف از چنگال  
بین حمانه ظلم و ستم و بسی  
عدالتی اجتماعی و مبارزه با  
مرض بیسروا دی و فساد  
اجتماعی انجام داده که تائیر  
آنرا در تمام گوشه ها و  
زوايايی حیات اجتماعی  
اقتضا دی و فرهنگی میتوان  
به آسمانی دید ولس کسر د  
نوجه عاجل دولت به کانکور  
زدگان رزیم منفور داده،  
زمینه گی فوری دولت به حال  
کار مندان دولتی با متلاشی  
گردد ن مرزهای ناپرابری  
اجتماعی از ناحیه ماکولات  
و کویون کارگران و اجیران  
با مأمورین، ارج نهاده به  
فرهنگ و زبان و هنر خلق  
ها و ملیت های کشور از  
طریق نشرات رادیو و جراید

واسسی انقلاب، هم به معنی اکیدا علمی و هم به معنی علمی سیاسی این مفهوم است.<sup>۱۰</sup>

باید اذ عان داشت که نیروی ایشان و متر قسی اجتماع از طریق انقلاب راه نکا مل سالم جا مده را بسوی جلو می‌گشایند و گستر ش سریع جا مده را در جهت ترقی تامین میکنند و به همین جهت مارکس، انقلاب را (لکو مو-تیو تاریخ) تامیده است.

خوش بختانه این مساله در گشور ما به صورت فاطع و بر گشت ناید یک مطابق به خواست زمان و ضرورت تاریخ، بدست فرزندان مبارز و بیکار جوی خلق به پیشان تازی حزب دموکراتیک خلق افغانستان تحقق یافت و حاکمیت خلق بر سرنشست خود ش تامین گردید و امروز حزب دموکراتیک خلق افغانستان در مرکز قلعه کار انقلابی بر ضد امیر یالیزم و او تجمعی بین المللی برای ساختان جا مده تویین و تامین کامل رشد نیرو های بالشده و بیش رو مجهر با تیو روی دوران خلق با حر کت جهشی خود نظام یوسیده نیو: ای و تاریخ زده سلطنتی را با تام مناسبات کهنه آن از دیشه برای ابد سر نگون کرد و به جای آن برای اولین بار نظامی خلقی و مرد می رایه سورت اساسی پایه دار و مستقر ساخت. چنانکه میدانیم «انقلاب اجتماعی ما دیتا» عبارت است از شیوه قانون مند حل تناقضات اجتماعی و اجرای آن چنان چهار خس دد زندگی چاره که انتقال از یک مرحله تاریخی دا به مرحله غالیتر آن هیمسر میسلاده.<sup>۱۱</sup>

به سخن دیگر انقلاب اجتماعی تغییر صورت بندی اجتماعی، اقتضا دی و چانشین شدن صورت بندی عالی تو به جای صورت بندی کهنه و زوال یابنده است و از نظر سیاسی انتقال قدرت از دست طبقه حاکمه انتجاعی بدست طبقه بیش رو و متر قی است.

به قول دکtor یون لانا ریاضی جهان: «انتقال قدرت حاکمه از دست طبقه بدست طبقه دیگر علاوه نخستین و عدمه

و هاند دكتور عبدا لر ذاق ذهير

- 8 -

یک جاسوس انگلیس، یک فرنگی پوست و انگلیس هشوب در چنگ دوم افغان و انگلیس

د ۱ متنفر از جوان ها  
ساخت .  
امیر شیر علی بعدی خانه  
پیدا نمیکند و شاه را تحت  
نفوذ خود می آورد که بعد از  
کار روا بین های وی در  
جنگ دوم افغان و انگلیس  
سبب تبا هی بسیار مردم می  
گردد .  
امیر شیر علی با اینکه  
شخص متبدد و نسبتاً روش  
فکر بود ، ولی نظر به  
خلاصت طبقاتی خود نمرد  
عیاش ، زود باور ، فیغیف  
النفس واژ حیث اداره و تدبیر  
آد می متعدد بود . ناتمام

نکلیسها سعی دا شتند  
در نقش خا ندان هانی  
وزایین و محمد زایی که  
آنها امرای خود خواه ،  
خیبا ور، جبون و ترسو  
طلب بو دنه، عنصر سست  
سر و انگلیس برست را  
کنند، محمد حسن و محمد  
امیر ارادان امیر شیر عالی -  
الله خان بن سلطان احمد  
بنی اعمام امیر و بیک  
سر داران دیکسر  
خدمات چاکر منشی و وطن  
شی و خدمت به دستگاه

مکالمہ شما

وزنایمۀ انس - مطبوعة دولتی - انصاری روابط - کابل

شما  
کابل - انصاری بوات

اما شاید نظر به معاذ برای  
که وجود داشته که بنده از  
آن واقع نیستم، تنها لین  
سرویسیکه تقریباً تمام شهر  
کابل را با هم و محل میتوارد  
یعنی « سرویس لین قلعه  
فتح الله خان » فاصله آن  
کو تا ه ساخته شده و ایستگاه  
آخری آن پارک ز دنگار تعیین  
گردید که این امر با عیت  
مشکلات کسانی شده که تا  
آباده و میدند و با سنت ایام

لیس از هیچ نوع اعمال شنیع  
و مکاتیب خصوصی سرداران  
را به انگلیس‌ها میرسانید.  
همین مومن لال که اداره  
جا سو سی انگلیس را در  
افغانستان بدست داشت،  
یک عدد اشخاص منمود را  
بر ضد مصالح ملی و به  
فعل انگلیس‌ها استعفای  
کرد.

میان غلام محمد هندی در  
عبد زمانشاه به تشكیل  
جمعیت پیشوای و تحریک  
خان‌ها و مملک غای محلی  
پرداخت. جنرا ل گریم  
بخشن یکی از جنرا ل های  
صاحب نفوذ عصر امیر  
شیرعلی خان بود کار روایی  
های بهادر غلام نقشبندی و  
آنکای شاهن دولت خلقی

ایمید ایست ملی بیس در  
زمینه تو جه تندواد لیسن  
قلعه فتح الله خان را دو باره  
طریقی عبار سازد تا یاشد  
مشکلات هشتری بران نیاز نند  
از این جهت مر قوع گردد.  
پیرزاد پاشید  
سید یحیی  
از قلعه فتح الله خان

فتح على و عبد المجيد مسلمانان  
هندي در دوره امير شیر  
على و در اردوی الفاقستان  
این مملکت را در جنگ دو م  
افغان و انگلیس متصرف ر  
ساخت و خون بسیاری از  
هرد م را ریختاندند . کتاب  
روای معا رک از کار روا پیش  
تفاهه کرده اند ازین دربار  
ر امیران عیشه هر گز  
لیست جا سو سی دو لست  
لیس قرار میگرفست  
بن هند بیهای سنت عاصر  
نگلیس برست ، امیر از  
ی نظامی و سیاستی را به  
لیسا میرسا نیدند و در

نَلِيْس

مؤسس متحى الدين انيس  
 ٥ ميزان سال ١٣٥٨ شمسى

رئیس مؤسسه و مدیر مسؤول  
در محمد و فاکیش تیلفون ۱۹۹۱۵  
معادن، بیهقستانی

هزده پیروزی به خلقهایی  
که بخاطر آزادی‌هی رزمند

امیریالیز م خون آشما موشر کا ی جرم وی که بنایه  
فانو نیت پو سید کی مناسبات غیر عادلانه سیاسی و اقتصادی  
مینشی بر تحریل اراده همتکنی اقلیت خون خوار و طفیلی  
پر اکثریت قاطع خلقها ای زحمتکش ، روز تا روز خود  
روابه بر نکاه نیستی نزد یک و نزد دیگ تر می یابند ، عنوانه  
هرای حظاکاردن آخرین موضع دست داشته ، دست به اعمال  
جنون آمیزی میز نند که در حقیقت به سرنوشت وزندگی  
 تمام پسریت ارتبا ط می گیرد .

آقها به طمع تعنت سلطهدار اوردن حاکمیت و سر  
نو شت خلقها ای جهان ، بیباگانه آتش چنگ را در  
هر چاییکه از دست شما نباید ، بدوان در نظر داشت  
عواقب ناگوار آن که منجر به تابودی هزار ها و میلیو نها  
انسان بیگنا میگردد ، مشتعل میسازند ، تا در پناه  
بود و آتش آن ، بتوانند به آسانی تروت ها و هستی  
خلقها ای زحمتکش را غارت و چیا ل کنند .

امروز امیریالیز م غر غن افروختن آتش چنگ ، بیش

از مداخلات مستقیم، شرکای بزرگ میش را وارد معه که مسی  
متازد تا با تحفظ از پرسنلها و موادین یافیر فته شده  
بین المللی به حقوق حاکمیت همچو ران تجاوز نمود و پیش  
پیش ماهه قرین و چهیں به اشاره با داران شان به  
فزوتی و خامت او ضایع درمنطقه و چهان پیر داشند.

در پیاوه کود ن تو طنه های جنگ افروزی امیر بالیزم  
مشتی از ستمکرا ندوشمنان خلق ها در کشور های دارای  
رزیمهای یو سیده ارتقا عی سیم میشو ند که بنا به  
دمایسین امیر بالیزم برآراده خلقها تحمیل شده اندوبیرای  
حکما موقعیت اهریمنا نهادشان بر دوش خلقها  
نچمتنکش ، ناگزیر اند به ساز امیر بالیزم که هر چند  
بیشتر هاله هم باشد ، سروگرد ن زند.

مسلم است که از نتا یج سازش و وسیله قرار گرفتن  
هیات حا کمه سستکر و مرتعج در رزیمهای استبدادی  
نه تنها خلقها همچو ارمتفرر میگردند ، بلکه خلقهای  
نچمتنکشی که یو غامبتدا دار ارتقا ع و امیر بالیزم م بر  
دوش شان گذاشته شد و هیات حا کمه مر تعج کشور  
های شان به ساز امیر بالیزم میر قصدند ، بیشتر از همه

از آن جهت است که علی الرغم بکار برد حیل و نیز نک  
های امیریالیز م و همیا تجا کمه این دسته کشور ها،  
خانقاہی نژھتكش ما بیو تدهای عمیق اقلال بی بیس  
یکدیگر خویش ایجاد نموده، از نتایج پیکار پیروز مندا نه  
یکدیگر الهام میگیرند.

چنانکه تو ما ندان انقلاب کبیر تور حفظ الله امین  
منش عمومی کمیته هرگزی حزب دموکرا تیک خلق  
افغانستان، دیسیس شونا انقلاب بی و لو مری و ذیر، ضمن  
یسا نیه شان به بزرگان و تمايند گران  
خلق شریف الوا م افریدی، صافی، تودی، شینواری  
ومند، خوزیانی، و دکزی و مسید فرموده اند:

»دو افغانستان را تجزیه و هنما بی حزب دموکرا تیک  
خلق افغانستان را به اشتراکات قوای مسلح قیر مان و با  
شها مت افغانستان را بی تشیبانی کار گرا نژھتكش  
هز دوران و دهقانان، انقلاب تورد به تم روسید که برای  
 تمام کارگران نژھتكش و دهقانان منطقه هز ده بی  
محلو از خوشحالی را داد، هخصوصاً برای تما من برادران  
نژھتكش کشور های همسایهها عمل مطلوب بی بود، هر زده بی  
بود که از افغانستان برای آنها رسید، هوج سر خس  
بود که از افغانستان برخاست بیرق سرخی که در افغانستان

به افتراز اعد ، در دل انباسوح نقصن بست «

لذا امواج سرخ و پیرفروغی که اکنون در نتیجه  
القلاب کبیر و زنجیر شکین تور ، در دشت و دهان میمهیں  
غیر و آفرین ها یا تلا طسم انقلابی در جریان است و  
نوریں دو خشنسی که ابتداز کو هیا یه های کشیده  
میتابد ، رو شنکر رادنجات همه خلقها بی کردیده است  
که میخواهند یه خا طریحت کشور شان ازسلطه  
پیر حما نه داشتنان برق متدوگا خیا ل استبداد ، ارتجاج  
و استنمار را یه قوت خوبی در هم کو بند و بر خرا به  
های آن انسان زندگی فارغ از هرگونه ستم را بیزند.